((تاریخ بشر در یک نگاه))

)(همه ادیان بر علیه خدا هستند.))

((دکتر کریم عبداللهی)): سال 1397 شمسی . 20018 میلادی .
کل مسیر تاریخ بشریت از زمانی که حدود دو میلیون سال پیش انسان توانست روی دو پا راه برود و در جنگلها از روی درخت پایین آمده کنار ساحل در یک جمع کوچکی ساکن شود با توجه به نداشتن تجربه و آگاهی کافی همیشه در جستجوی راه های صحیح زندگی در سعی و خطا بوده است، در این چالش و مبارزه برای زنده ماندن و یاد گرفتن راههای زندگی، یک عده فرصت طلب و سود جو با مطرح کردن اوهامات و خرافات تصمیم به تسلط به این جمع های کوچک گرفتند تا بتوانند بدون کار و تلاش و زحمت از دست رنج دیگران ارتزاق کنند و چون جوامع کوچک اولیه هیچ وسیله دفاعی نداشتند از همه جا بی خبر به مرور زمان به حاکمیت این افراد تن دادند این نقطه عطف سرسپردن، شروع تمام بدبختی بشر بود اشتباهی که تا به امروز هم گریبان همه بشریت را گرفته است.

از همان زمان که طبقه حاکم و محکوم از هم فاصله میگرفتند با افزایش جمعیت، حاکمان نیز به فکر راهها و روش های پیچیده و گوناگونی برای سلطه کامل بر زیر دستان خود افتادند چرا که با تجربه فهمیده بودند فقط با زور شمشیر نمیتوانند حتی جوامع ابتدائی را کنترل کنند. لذا به فکر چاره بودند بنابراین دقیقا دست گذاشتند روی مهمترین نقطه ضعف بشریت که همان جهل و ترس بود و چون بشر ذاتا از روی ناآگاهی یک نوع از نیروهای فرا بشری و فراطبیعی واهمه داشت حاکمان اسم این نیروهای ماورای را دین گذاشته و به خدا نسبت دادند و خود را نماینده خدا در روی زمین معرفی کردند و در طول تاریخ برای سلطه به زنده و مرده بشریت ادیان را به وجود آوردند. بااختراع دین و اینکه دین همان حرف خدای است که مالک زمین و زمان هست بدبختی بشریت هم شروع شد، به عبارتی عامل تمامی بدبختی بشریت با مسلط کردن دین شروع شد. مسیری که کاملا بر جهل استوار بود و خواسته و ناخواسته بشریت تا به امروز این مسیر اشتباه را ادامه داده است البته نباید دستاوردهای علمی بشریت را نادیده گرفت. ولی از همان اول، ترس و جهل باعث شد انسان ناآگاهانه شاید هم در بعضی مواقع آگاهانه از روی شرارت برای سلطه به همنوعان خود به خرافات و دروغ و خشونت و چپاول و زورگوئی روی بیاورد. چنانچه اشاره شد مهمترین ابزار در این مسیر کاملا اشتباه که قدرتش از قدرت شمشیر هم برنده تر بود متوسل شدن یک عده سود جو و فرصت طلب به دین و مذهب بود، تنها ابزاری که همگان را به زنجیر ابدی کشاند و انسانها را برده حاکمان ساخت. بخصوص از زمانی که رهبران مذهبی با رهبران سیاسی متحد شدند تا باهم جهان را چپاول کنند چون اینجوری دیگر نیاز نبود امپراطوران، رهبران مذهبی را از شهرها فراری دهند و یا تبعید کنند و در مقابل رهبران مذهبی هم نیاز نبود رهبران سیاسی را تکفیر کنند چالشی که سالیان سال ادامه داشت، تا اینکه این موضوع یعنی اتحاد رهبران مذهبی و سیاسی به صورت

جدی از زمان دین یهودیت به صورت رسمی شروع شد یعنی اولین جنایت تاریخی و مستمر برای به زنجیر کشاندن همیشگی مردمان شروع شد. البته باز بین رهبران سیاسی و دینی هنوز یکسری کشمکش های مانده بود که با مسیحیت تقریبا بین رهبران سیاسی و دینی تقسیم کار دقیق اتفاق افتاد به شکلی که توافق کردند قدرت دست رهبران سیاسی باشد به شرطی که این مشروعیت را رهبران مذهبی به آنها اعطاء کنند، به عبارتی دقیقترین اتحاد تاریخی برای سلطه همیشگی بر بشریت. با این تقسیم کار، امپراطور حکومتش را میکرد و رهبران دینی هم راحت ارتزاق میکردند و ثروت اندوزی میکردند و دست به سیاه و سفید نمیزدند و فقط دستورات پادشاهان را از زبان خدایان به گوش مردمان میرساندند و تسلط و تملک خود را روی مرده و زنده انسانها گسترش میدادند این قضیه برای اولین بار بعد از دوران باستان در انگلستان با گذاشتن تاج پادشاهی توسط پدر روحانی روی سر امپراطور و بعد هم سر ملکه به شکل نوین و امروزی رسمیت پیدا کرد و تقریبا همه کشورها کم و بیش این ارتباط حاکمان سیاسی و مذهبی و روش حکومت در انگلستان را الگوی حاکمیت خود قرار دادند. یعنی امپراطورها نماینده و یا سایه خدا روی زمین شدند یا ادامه ولایت خدا بر روی زمین مثل کشورهای اسلامی که افراطی تر بودند و حاکمان خود را مثل خود خدا تصور میکردند. در مجموع حاکمان برای گرفتن مشروعیت از مردم بیچاره هر طور که شده خودشان را از طریق رهبران مذهبی به خدا متصل میکردند. یعنی میتوان گفت اولین ظلم بر بشریت از دین یهودیت بعد هم از کشور انگلستان شروع شد که باعث شد حاکمان تا به امروز به مرده و زنده انسانها مالکیت پیدا کنند. ناگفته نماند که قصد بی احترامی به دینی یا کشوری نداریم فقط خواستیم روند تاریخی را ذکر کرده باشیم چه بسا که عملکرد ادیان و کشورهای دیگر بهتر از دین یهودیت و کشور انگلستان نیست. مثلا در کشورهای اسلامی دیگر بین پادشاه و رهبر مذهبی تقسیم کاری وجود ندارد بلکه اکثر مواقع هر دو مقام دست یک نفر بوده و هست. جالب اینکه هنوز هم بعد از هزاران سال بشر فرصت پیدا نکرده و یا به عبارتی نگذاشته اند که برای نوع نگاه خود به یک زندگی واقعی تمرکز کند و مروری به گذشته تاریک خود داشته باشد و به اشتباه بودن این مسیر حتی شک کند و بداند که این راه از ابتدا روی جهل و ترس و ناچاری پایه گذاری شده و باید طرح بهتری برای زندگی بشری جایگزین کرد طرحی که در آن هیچ ترس و اجباری نیست انسانها بدون واسطه و بدون رهبران دینی و سیاسی و بدون پول دادن به آنها و یا مثلا بدون وجود زیارتگاهها و مساجد و کلیساها و کنیسه ها و بدون قربانی کردن و نذر دادن میتوانند خدا را پرستش کنند. به عبارت دقیقتر یک خدا و یک انسان، بدون تبعیض و بدون تحمیل، بدون جنگ و بدون خشونت. طوری که دیگر هیچ دینی نباشد که بگوید خدای من از خدای شما بهتر است و جنگ افروزی کند و هزاران نفر را به کشتن بدهد. باید مردمان این حقیقت را متوجه بشوند که نه خدا و نه انسان به هیچ واسطه ای نیاز ندارند، آن موقع تصمیم بگیرند هر چه از مظاهر ادیان هست کنار بگذارد و همه بت ها را دور بریزید چرا که همه این مظاهر بت پرستی از دروغ و فرصت طلبی یک عده جنایتکار ناشی شده است.

بخصوص باید اول از همه خود رهبران دینی و سیاسی باید متوجه این حقیقت باشند که با ادامه این مسیر مرتکب خطای عظیمی شده اند چرا که بهتر از همه میدانند که هر تخلف و دروغی در قانون طبیعت تاوان سختی دارد که باید از جان و زندگی خودشان پس خواهند داد چنانچه تمامی افراد که با این دروغ ها و فریب کاری ها حکومت کرده اند قبل از شماها هم تاوان سختی را پس داده اند. شما رهبران دینی و سیاسی فقط کافیست از خودتان یک سوال بپرسید اینکه آیا واقعا برای خدا میجنگید؟ شاید به مردم دروغ بگوئید و حتی آنها را قانع کنید ولی به طبیعت و همان خدای که وعده میدهید هم میتوانید دروغ گفته و او را هم قانع کنید، هرگز...

پس اول از همه خودتان را نجات بدهید چون شماها بهتر از هر کس دیگری حقیقت ماجرا را میدانید. مردم هم باید برای در امان ماندن از تاوان طبیعت و قهر خداوند فرزندان خود را از این مباحث خرافی دور نگه داشته و مانع از کشیده شدن به سوی اوهامات و خرافات یک عده ذهن های مریض و بی سواد شوند. ...

متاسفانه هنوز شاهد هستیم که به خاطر تسلط رهبران دینی و سیاسی روی زندگی کل مردم دنیا، بشریت نتوانسته اشتباهات اولیه خود را جبران کند و یک زندگی درست و الهی را تجربه کند. حتی بزرگترین دانسمندان هم که دنبال تخصص خاصی بودند کاری به مشکل اولیه و مهمترین مشکل بشریت که زنجیرهای ساختگی دین بود نداشتند و شاید هم در بعضی مواقع خود این تخصص ها و علم دانشمندان حصاری شده بر افکارشان که بدتر نتوانند حقیقت را دریابند یعنی علم باعث تکبر و غرور فرد شده و

فرصتی برای خودآگاهی این اشخاص باقی نگذاشته است... خلاصه باید اذعان کرد که تمامی کشورها با کمی تفاوت این مسیر را ادامه داده اند و حتی حاکمان برای تسلط مطلق روز به روز روشهای جدیدی را مطرح کرده اند تا جای که در بعضی از کشورهای جهان سوم زندگی و جان انسانها هم دست رهبران است و اینها هستند که تصمیم میگیرند چه کسی باید زنده بماند و یا چه کسی باید تکفیر شده و کشته شود.
پس با یک نگاه اجمالی متوجه میشویم که وقتی انسان از آن مسیر طبیعی که قانون طبیعت مثل بقیه موجودات برای آن در نظر گرفته بود خارج شد از مسیر زندگی عادی هم انحراف پیدا کرد و متاسفانه با دست یافتن بشر به ابزار های پیشرفته این شکاف و زاویه روز به روز بزرگتر و بیشتر شد و چون بشر از اول هم درست آموزش ندیده بود و درست تربیت نشده بود و متولی هم نداشت که ارزشهای اخلاقی را به افراد جوامع آموزش دهند انسان ها کاملا در منجلاب منافع شخصی گرفتار شدند و روز به روز به جنایتهای بیشتری دست زدند و چون منافع رهبران دینی هم به این شکل بهتر و بیشتر تامین میشد هر بار توجیهی از خدا برای این جنایات پیدا کردند و مانع آگاه شدن مردم و شورش همگانی علیه ظلم و ستم رهبران شدند چون خوب فهمیده بودند تا آگاهی نباشد هیچ حرکت و جنبشی هم به راه نخواهد افتاد. به خاطر همین در طول تاریخ مهمترین وظیفه رهبران مذهبی جاهل نگه داشتن مردمان بوده و هست. پس هر موقع رهبران دینی متوجه شده اند که احدی از افراد جامعه حقیقت ماجرا را متوجه شده سریع تکفیر کرده اند تا مانع آگاه شدن جوامع بشری شوند...چنانچه تاریخ را دقیق مطالعه کنیم کاملا این مهم را متوجه خواهیم شد که عامل همه بدبختی های بشریت ادیان بوده اند چرا که رهبران دینی با سواستفاده از خدا و ترس طبیعی بشر چنان بشریت را به زنجیر کشیده اند که حتی اکثر دانشمندان علمی هم جرائت شک کردن هم به خود نداده اند و خیلی راحت این فلاکت انسان را پذیرفته اند و تقصیر را نهایتا گردن آدم و حوا انداخته اند تا خود را از گناه تبرئه کنند و کارهای خود را توجیه کنند یا حداقل گفته اند شاید حرف این رهبران درست بود، ولی از خود نپرسیده اند. چه چیزی هست که آن هم به درست یا غلط بودن آن شک کنید و بگویید شاید درست بود وقتی که همه چیز از یک اشتباه و ناآگاهی شروع شده است پس شک برای چیست؟ ناگفته نماند با اینکه نباید دستاوردهای علمی بشریت را نادیده گرفت اما همین دستاوردهای علمی خود منجر به چه جنایتهای که نشده است، تا جای که به غیر از سلاح و بمب اتم و غیره، امروزه دیگر حتی همه خوراکی ها هم مصنوعی و شیمیایی و تراریخته شده اند طوری که شما مطلقا یک غذائی سالم و ارگانیک پیدا نمیکند هر چی میخوریم و استفاده میکنیم مستقیم یا غیرمستقیم بیماری زا و سرطان زا شده است، از شیر و ماست و کره و پنیر گرفته تا میوه و سبزی و گوشت و مرغ و روغن و نمک... یا استفاده از گوشت سگ و گربه و الاغ و یا سمی شدن تمامی محصولات کشاورزی ... آیا اینها همه به خاطر نبود اخلاق و انسانیت و نداشتن ایمان و اعتقاد به خدای واقعی نیست؟ مردم همان خدا را قبول کرده اند که رهبران ادیان معرفی کرده اند خدای که دروغ و تقلب و کم کاری و ریا و تظاهر و خشونت و ظلم و جنایت را پذیرفته و باهاش کنار آمده پس مردم هم مثل رهبران خود هر جرم و جنایتی مرتکب شوند مجاز است.
بنابراین با این نگاه تحت هیچ شرایطی نمیتوان جوامع را اصلاح کرد و از دست این حاکمان سیاسی و مذهبی نجات داد مگر اینکه تک تک افراد بشریت به سطحی از آگاهی برسند که هرگز به هیچ گونه تخلفی دست نزنند بخصوص خود رهبران دینی و سیاسی باید به سطحی از آگاهی برسند که از این کارها کلا دست بکشند و کاری به دست رنج دیگران نداشته باشند. این موضوع هم به این زودی تحقق نخواهد یافت مگر اینکه روی نسلی که هنوز به دنیا نیامده سرمایه‌گذاری کرد و با آموزش صحیح و یادآوری جنایات گذشته مانع کشیده شدن این نسل به سوی این نوع دین و مذهب شد. نسلی که باید یاد بگیرد همه انسان‌ها از هر رنگ و نژادی برابر هستند و قانون برای همگان یکسان هست و کسی نباید به حقوق دیگران تجاوز کند و فرق نمیکند در چه لباسی باشید باید همه افراد بشر باهم و در کنار هم کار کنند و زحمت بکشند و نباید یک عده به دست رنج دیگران چشم طمع داشته باشند. باید نسل آینده آموزش ببیند چیزی که برای آن زحمت نکشیده لیاقت به دست آوردن آن را ندارد و هرگز آزادی و رهائی کامل بدون زحمت و تلاش بدست نخواهد آمد و این خود نیز در رسیدن به خود آگاهی آحاد بشر حاصل خواهد شد.
((دکتر کریم عبداللهی)) سال ۱۳۹۷ شمسی .
@drkarimabdollahi

t.me/drkarimabdollahi